در کنارۀ غربی خلیج فارس، از خور کویت یا خلیج کاظمه تا شبه جزیرۀ قطر، بیابان های ریگزار پهناوری گسترده شده است که طرف شرق آن دریا و چند جزیرۀ کوچک و بزرگ است که نام مجمع الجزایر بحرین بر آن نهاده شده است. بزرگ ترین این جزایر که منظور از بحرین به طور خاص نیز همان است، جزیره ای است که مسلمانان آن را اوال می خواندند، اما امروزه به نام معروف ترین شهر خود منامه یا منعمه خوانده می شود.

بحرین به دلایل هویتی، تاریخی، قومیتی و مذهبی و حتی زبانی، بخشی از سرزمین ایران در طول هزاران سال تاریخ این کشور و خلیج فارس محسوب می شود؛ پس از فتح بابل توسط کوروش هخامنشی در سال 539 پیش از میلاد، این ناحیه که تحت تسلط بابلیان بود به تصرف هخامنشیان درآمد. شاید کهن ترین اشاره به تعلق این سرزمین به ایران در منابع پس از اسلام، در کتاب تاریخ طبری آمده باشد که اشاره به عرب های بادیه نشین دارد که چگونه به دلیل تنگی آذوقه، در زمان اشکانیان به سوی بحرین حرکت کردند. در سایر منابع نیز به کرات اشارات مختلفی از تسلط پادشاهان ساسانی و نیز حکومت های پس از اسلام در ایران بر این جزیره دیده می شود. پس آنچنان که در منابع تاریخی حکومت های پس از اسلام تا دورۀ صفوی نوشته شده است، همگی به تعلق این خاک به سرزمین ایران اذعان داشته اند و نشان می دهد که این ناحیه جزوی از حکومت سلسله های حاکم بر ایران بوده است. از دوران صفویه دو عامل باعث شد تا این ناحیه در کانون توجه بیشتری در ساختار سرزمینی ایران قرار بگیرد؛ نخست، در اثر بسط شیعه در ایران، پیوند تنگاتنگی میان منطقۀ بحرین با سرزمین ایران برقرار شد، تا جایی که بخشی از تراث کهن امامیه – که با همت و توجه عالمان بحرین قدیم حفظ شده بود – در میان محافل علمی و حوزوی ایران تداوم یافت. عامل دیگر حضور پرتغالی ها به عنوان کشوری استعمارگر در سدۀ 16 میلادی در خیلج فارس و تسلط بر جزایر ایرانی از جمله بحرین است که این موضوع باعث شد تا حکومت صفوی در سال 1010 ق پرتغالی ها را از ابتدا از بحرین و سپس درسال 1031 ق، از قشم و هرمز بیرون کند و مجدد حاکمان ایرانی را دراین نواحی منصوب کند. بدین ترتیب و دست کم در 400 سالۀ اخیر خلیج فارس و البته جزیرۀ بحرین اهمیت بسزایی پیدا کرد و زمینه های مختلفی باعث شد تا قدرت های سیاسی دیگر در این منطقه شروع به قدرت نمایی و بازیگر کنند؛ عمدۀ زمینه های حضور بیگانگان ناشی از موقعیت سوق الجیشی و جغرافیایی این جزایر برای استفاده از بنادر آن و صید مروارید است. علاقۀ قدرت های خارجی به بحرین با کشف منابع انرژی افزایش پیدا کرد و باعث شد خلیج فارس و به ویژه بحرین در کانون توجه پرتغالی ها، عثمانی ها و در نهایت انگلیسی ها و پس از آن آمریکایی ها قرار بگیرد.

کتاب حاضر تحلیلی است حقوقی و تاریخی بر اساس اسناد سری و محرمانۀ وزارت خارجۀ انگلستان که چگونه آن دولت با طرح توطئه ای با همراهی شاه ایران، بحرین را از ایران جدا کرد.